

بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت‌وگو از منظر زبان روسی

سعیده دست‌آموز^{۱*}، محمدرضا محمدی^۲

۱. استادیار زبان روسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۲/۸/۲۷

دریافت: ۹۲/۶/۲۵

چکیده

در این پژوهش، تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی را بر روند گفت‌وگو بررسی خواهیم کرد. گفت‌وگوی موفق به تطابق مقاصد گفتاری دو طرف نیازمند است؛ به طوری که هریک به نیت مورد نظر خود از بیان گفته برسند. در این میان، گفته‌های مخاطب کنش‌های وابسته‌ای هستند که به طور کامل تحت تأثیر گفته‌های گوینده قرار می‌گیرند. در گفت‌وگوها، گاهی ساختارهایی به کار می‌روند که ویژگی کاربردی آن‌ها ایجاد تغییر در روند گفت‌وگو است. جملات پرسشی به طور گسترده در جایگاه پاسخ در گفت‌وگوها به کار می‌روند. در این حالت، آن‌ها کنش‌های گفتاری غیرمستقیم هستند؛ زیرا در کاربرد مستقیم خود که همان طرح سؤال است، به کار نرفته‌اند. آیا این جملات می‌توانند روند گفت‌وگو را تغییر دهند و یا نشانگر شکست ارتباطی باشند؟ در این جستار، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که از سایت ملی زبان روسی و نیز متون ادبی گردآوری شده‌اند، در روند دیالوگ‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند. در این پژوهش که رویکرد کاربردشناسی و توصیفی دارد، از تئوری کنش گفتاری به عنوان ابزاری برای تحلیل گفت‌وگوها استفاده شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهند که برخی از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم در زبان روسی نماد شکست ارتباطی هستند و برخی می‌توانند نشانگر تغییر روند گفت‌وگو باشند. از نتایج این تحقیق برای ترجمه کنش‌های گفتاری غیرمستقیم از زبان روسی به فارسی و بالعکس می‌توان استفاده کرد.

واژگان کلیدی: گفت‌وگو، کنش گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی، شکست در گفت‌وگو، تغییر روند گفت‌وگو، زبان روسی.



۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، دامنه علم زبان‌شناسی توسعه چشمگیری یافته و زبان‌شناسان دایره مطالعات خود را توسعه داده‌اند؛ به طوری که تمامی ابعاد گفتار و فرآیندهای گفتاری را بررسی می‌کنند. بنابر گفته آروتیونوا^۱، علاقه به مطالعه حداقل واحدهای زبان‌شناسی، جای خود را به مطالعه واحدهای حداکثر از قبیل متن و گفتمان و آن هم در چارچوب تأثیر متقابل سخن و عمل داده است (ApyTyOHOBa, 1999: 3)؛ بنابراین، بررسی تعاملات گفتاری میان افراد جایگاه ویژه‌ای یافته است. همچنین، عوامل فرازبانی باعث ایجاد این تحولات در تحقیقات زبان‌شناسی شده‌اند. به عنوان مثال، نیاز اجتماعی به دانستن و کشف قانونمندی تعاملات بشری با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی از قبیل ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر به‌سزایی در این روند داشته است و همین مسئله باعث ایجاد رابطه تنگاتنگ میان رشته‌های مختلف علوم انسانی شده است. به این ترتیب، در دهه‌های اخیر، تحقیقاتی انجام شدند که مسائل مختلف در زمینه فرآیند ارتباط را به طور عام و خاص بررسی می‌کردند و تئوری‌هایی تدوین شدند که فرآیند گفتمان را تحلیل می‌نمودند. یکی از موضوعاتی که تمامی دانشمندان در مورد آن اتفاق نظر داشتند، مطالعه متن پیوسته یا گفتمان^۲ بود. کوبوزوا^۳ اعتقاد دارد که اگر ما زبان‌شناسان از بررسی جملات جداگانه به بررسی گفتمان روی بیاوریم، معانی نهفته در کلام را چندین برابر بیشتر درک می‌کنیم (Kobozova, 2009: 215).

در همین راستا، زبان‌شناسان روسی به فن مکالمه به‌طور ویژه‌ای توجه کردند و آن را به عنوان یکی از موضوعات اصلی زبان‌شناسی ارتباطی مطرح نمودند. ما نیز در این پژوهش، گفت‌وگو در زبان روسی را بررسی خواهیم کرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی در جریان گفت‌وگو به عنوان شاخصی برای شکست ارتباطی تعبیر می‌شوند یا به مثابه ابزاری برای تغییر روند گفت‌وگو. سؤال دیگر این است که استفاده از این‌گونه ساختارها به عنوان استراتژی گفتاری تلقی می‌شود که کارکرد آن ایجاد تغییر در روند گفت‌وگو است یا نه. در پژوهش حاضر، فرض می‌شود که از آنجا که کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی از پتانسیل ارتباطی زیادی برخوردار هستند، بر روند گفت‌وگو تأثیر می‌گذارند.

۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسان روسیه در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، مطالعه متن به صورت دیالوگ و مونولوگ را شروع کردند. شربا^۴، یاکوبسنسکی^۵، پالیونف^۶، باختین^۷ و ویناگرادف^۸ از اولین زبان‌شناسان روسی بودند که این موضوعات را بررسی کردند.

شربا آغازگر فن تحلیل گفت‌وگو در روسیه است. وی با مطالعه زبان گروهی از اسلاوها که در اروپای مرکزی زندگی می‌کردند، دریافت که آن‌ها نمی‌توانند مونولوگ طولانی را بیان کنند. شربا نتیجه گرفت که مونولوگ به اندازه زیادی به ابتکار گوینده بستگی دارد، فرم هنری زبان است و زبان حیات اصلی خود را مدیون گفت‌وگو یا دیالوگ است (Щерба, 1915). یاکوبینسکی با شربا هم‌عقیده بود. او در کتاب خود، از دیالوگ به عنوان پدیده فرهنگی یاد کرد و ایجاد آن را برخلاف ایجاد مونولوگ، یک امر طبیعی تلقی نمود (Якубинский, 1986: 34).

دیدگاه‌های این دو، توجه پژوهشگران روس را به مطالعه گفت‌وگو جلب و آن را به یکی از موضوعات روز پژوهش‌های زبان‌شناسی تبدیل کرد. باختین یکی دیگر از دانشمندان روس بود که به مطالعه درزمینه گفت‌وگو و گفتمان علاقه‌مند شد. او ماهیت طبیعی روابط در دیالوگ‌ها و مسئله دیالوگیزم یا گفت‌وگووار بودن را بررسی کرد (Бабаев, 2011: 6).

از آن پس، زبان‌شناسان روسی انواع مختلف گفت‌وگو را تحلیل و بررسی کردند. دانشمندان نظیر ویناگرافد و گالکینا فدوروک^۱ شرایط ایجاد و جریان یافتن دیالوگ را تحلیل نمودند. آروتیونوا و گاک^۲ معانی وجهی و ویژگی‌های کارکردی و ارتباطی گفت‌وگو را بررسی کردند. با نگاهی به تاریخچه تحلیل گفتمان در زبان روسی، درمی‌یابیم که بسیاری از زبان‌شناسان در فرآیند تحلیل گفتمان، از تئوری کنش‌گفتاری جان اوستین^۳ و جان سیرل^۴ بهره برده‌اند. تئوری کنش‌گفتاری در چارچوب فلسفه زبان شکل گرفت. مبانی این تئوری برای اولین بار در سال ۱۹۵۵، در سخنرانی‌هایی در دانشگاه هاروارد مطرح و در سال ۱۹۶۲، در کتاب سخن به‌مثابه عمل^۵ جان اوستین چاپ شد. جان سیرل تلاش کرد تا قواعد کنترل‌کننده کنش‌گفتاری را تدوین و مکانیزم‌های انتقال منظور گوینده به شنونده در فرآیند ارتباط را توصیف کند (Кронгауз, 2005: 282).

در سال ۱۹۸۲، پادوچوا^۶ در مقاله «جنبه‌های کاربردشناختی ارتباط در گفت‌وگو»^۷، به نوع جدیدی از ارتباط متنی بین اجزای تشکیل‌دهنده گفت‌وگو با عنوان «ارتباط کاربردشناختی» اشاره کرد. منظور از جنبه‌های کاربردشناختی، بررسی گفت‌وگو از دیدگاه تئوری کنش‌گفتاری است. پادوچوا به وجود چهار نوع رابطه کاربردشناختی در گفت‌وگوها اشاره کرد که عبارت‌اند از:

۱. تطابق گفتارها از لحاظ کارکردهای منظوری آن‌ها؛
۲. ارتباط گفتارها با شرایط اقتضایی کنش‌گفتاری قبل از خود؛
۳. جهت‌گیری گفته‌ها به سوی فرضیات گفته قبلی؛
۴. رابطه گفته‌ها که بر مبنای روابط منطقی التزام در گفتمان تعیین می‌شوند (Падучева, 1982: 282).

البته پادوچوا در مقالات خود، از دستاوردهای دانشمندان غیرروس، نظیر جان سیرل (یکی از

بنیانگذاران تئوری کنش گفتاری) و گرایس^{۱۶}، استفاده کرده بود.

با اینکه در سال‌های اخیر، در ایران پژوهش‌های گسترده‌ای درحیطه تحلیل گفتمان و مکالمه درحوزه زبان فارسی انجام شده است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱؛ خیرآبادی، ۱۳۹۲ و ...). زبان‌شناسان ایرانی که در حوزه زبان روسی مطالعه کرده‌اند، به تحلیل گفتمان و مکالمه از منظر زبان روسی کمتر توجه کرده‌اند. این مسئله ضرورت انجام تحقیقاتی نظیر مقاله حاضر را افزایش می‌دهد. در ادامه، با نگاهی به مبانی تئوری کنش گفتاری، گفت‌وگوها و کنش‌های گفتاری غیرمستقیم را در چارچوب این تئوری تحلیل می‌کنیم که به تغییر روند گفت‌وگو منجر می‌شوند و یا نماد شکست ارتباطی هستند.

۳. تئوری کنش گفتاری به‌مثابه ابزار تحلیل گفتمان

کوبوزوا معتقد است که تئوری کنش گفتاری یکی از شیوه‌های تحلیل گفتمان و به‌مفهوم بیان یک جمله از سوی گوینده در موقعیتی خاص و با هدفی خاص است (Кобозева, 2009: 258). بنابر گفته جان اوستین، کنش گفتاری عملی است که سه مرحله کنش بیانی^{۱۷}، کنش منظوری^{۱۸} و کنش تأثیری^{۱۹} دارد. منظور از کنش بیانی به زبان آوردن آواها، کلمات و جملاتی است که مفهوم خاصی داشته باشند و از قواعد دستوری خاصی پیروی کنند (Кронгауз, 2005: 282). کنش منظوری با کنش بیانی همراه است، هدف دارد و مقاصد گوینده در آن پنهان است. به‌گفته سیرل، کنش منظوری زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی خبری می‌دهد، سؤالی مطرح می‌کند، فرمانی می‌دهد، گزارشی ارائه می‌کند، تبریک می‌گوید، هشدار می‌دهد و ... مهم‌ترین ویژگی کنش منظوری توان منظوری و یا کارکرد منظوری است. به‌عقیده استین، توان منظوری همان عملی است که گوینده در جریان کنش گفتاری انجام می‌دهد. کنش تأثیری به‌مفهوم نتیجه کنش گفتاری و تأثیر آن بر مخاطب است. به‌عقیده سیرل، مهم‌ترین مرحله کنش گفتاری، همان مرحله دوم یا کنش منظوری است و درست به همین دلیل است که در مواردی، به‌جای کنش گفتاری، عبارت کنش منظوری به‌کار می‌رود (Серль, 2010: 56).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تئوری کنش گفتاری، تفکیک کارکردهای منظوری کلام و طبقه‌بندی آن‌ها است. جان استین اولین دسته‌بندی کارکردهای منظوری یا همان کنش‌های گفتاری را ارائه کرد. این دسته‌بندی بر مبنای طبقه‌بندی فعل‌های اجرایی^{۲۰} انجام شده است. فعل‌های اجرایی، افعالی هستند که کارکرد منظوری کلام را می‌توانند به نمایش بگذارند. به‌عنوان مثال، افعال خواهش کردن، توصیه کردن، قول دادن، تشکر کردن و ... هنگام استفاده به‌خودی‌خود نمایش‌دهنده کنش منظوری کلام هستند. جان سیرل کنش‌های منظوری را به پنج دسته کنش‌های گفتاری تقییری^{۲۱}، کنش‌های هدایتگر^{۲۲}،

کنش‌های گفتاری تعهدآور^{۲۳}، کنش‌های گفتاری احساسی^{۲۴} و کنش‌های گفتاری اعلامی^{۲۵} تقسیم می‌کند. هدف از کنش‌های گفتاری تقریری واگذاری مسئولیت صدق بودن خبر برعهده گوینده است. خبر، نکوهش، پیش‌بینی، اعتراف و ... از جمله کنش‌های گفتاری تقریری به‌شمار می‌روند. گوینده با بیان کنش‌های گفتاری هدایتگر یا امری می‌کوشد که شنونده را برای انجام کاری برانگیزد؛ مانند سؤال، خواهش، دستور، توصیه و کنش‌های گفتاری تعهدآور به مفهوم بیاناتی هستند که گوینده از آن‌ها برای ملزم کردن خود به انجام کاری در آینده استفاده می‌کند؛ مثل قول دادن، سوگند خوردن و کنش‌های گفتاری احساسی بیان‌کننده وضعیت احساسی گوینده و ارتباط او با کسی یا چیزی هستند؛ مانند تشکر کردن، تأسف خوردن، خوشحالی، احوالپرسی کردن و آرزو کردن. کنش‌های گفتاری اعلامی بیاناتی رابط بین کلام و واقعیت هستند؛ مانند عزل کردن، نصب کردن، نامگذاری شرکت و ... (Кронгауз, 2005: 287). دسته‌بندی‌های دیگری هم برای کنش‌های منظوری وجود دارد. به‌عنوان مثال، پادوچوا چهار گروه از کنش‌های گفتاری را متمایز می‌کند که عبارت‌اند از: کنش‌های منظوری بیانی، کنش‌های منظوری تعهدی، کنش‌های منظوری برانگیزاننده و کنش منظوری سؤالی (Падучева, 2010: 25).

موفق بودن کنش‌های منظوری درگرو فراهم بودن شرایط آن‌ها است؛ شرایطی که برای به‌جا بودن و به هدف رسیدن کنش گفتاری لازم است. این شرایط به چهار گروه شرایط محتوایی^{۲۶}، شرایط مقدماتی^{۲۷}، شرط صداقت^{۲۸} و شرط اصلی یا کاربردی^{۲۹} تقسیم می‌شوند. شرط محتوایی مقتضیاتی را نمایان می‌کند که کارکرد منظوری کلام روی محتوای معنایی گفتار اضافه می‌کند. شرایط مقدماتی شرایطی هستند که کنش گفتاری در صورت نبودن آن‌ها با شکست مواجه می‌شود. شرط صداقت بیان‌کننده وضعیت درونی است که ممکن است به گوینده نسبت داده شود. البته مبنای آن فرض بر صحت داشتن و جدی بودن کنش گفتاری است. شرط اصلی دربردارنده هدف منظوری گفتار است (Кобозева, 2009: 258).

۴. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم و نقش آن‌ها در روند گفت‌وگو

مهم‌ترین بخش تئوری کنش گفتاری مباحث مربوط به کنش‌های گفتاری غیرمستقیم است. کنش گفتاری غیرمستقیم زمانی تحقق می‌یابد که جمله‌ای که حاوی شاخص‌های توان منظوری یک کنش گفتاری است، برای تحقق دادن به کنش منظوری دیگری استفاده شود (Серль, 1986: 195). در این حالت، گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه بر محتوای ظاهری، از محتوای دیگری نیز برخوردار است. به‌عنوان مثال، در جمله «آیا می‌توانید نمک را به من بدهید؟»، منظور گوینده تنها طرح سؤال نیست؛ بلکه می‌خواهد از مخاطب تقاضا کند که نمک را به او بدهد (Ibid: 196). به‌نظر جان سیرل، هنگامی که از



گفتارهای غیرمستقیم استفاده می‌کنیم، کلام ما کاربرد تحت‌اللفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یک‌سری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال‌ها بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و یا غیرزبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توانیم به دانستن آداب گفتاری اشاره کنیم. گرایس (۱۹۸۵) و گوردن و لاکف (۱۹۸۵) از دانشمندی هستند که کنش‌های منظوری غیرمستقیم را به‌طور خاص مطالعه می‌کنند. کونراد (۱۹۸۵) هم کنش‌های گفتاری غیرمستقیم را به‌طور کامل تحلیل و بررسی کرده است.

گاهی اوقات، شرایطی فراهم می‌شود که کنش‌های گفتاری مستقیم و یا غیرمستقیم موفقیت‌آمیز نمی‌شوند که در اصطلاح به این اتفاق عدم توفیق در ارتباط گفته می‌شود. منظور از عدم توفیق در ارتباط این است که مخاطب بخشی از گفتار و یا تمام آن را درک نکند؛ یعنی هدف ارتباطی گوینده به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد و یا بخشی از آن تحقق می‌یابد. به‌عنوان مثال، اگر گوینده سؤال کند که «شما ساعت ندارید؟» و مخاطب در پاسخ به‌جای گفتن زمان، بگوید «دارم»، در این گفت‌وگو مخاطب تقاضای گوینده را به‌عنوان سؤال برداشت کرده است و در اصطلاح عدم توفیق در ارتباط کلامی رخ داده است. دلایل شکست‌های ارتباطی در آثار پادوچوا، گارادیتسکی^{۲۰} و یرماکوا^{۲۱} بررسی شده است.

پادوچوا در مقاله «جنبه‌های کاربردشناختی ارتباط در دیالوگ»، به قواعد تطابق داشتن کنش‌های گفتاری با مبنای کارکردهای منظوری آن‌ها اشاره کرده است. بنابر نظریات او، واکنش مناسب در برابر کنش گفتاری تقریری یا همان خبری، تأیید، پیروی و یا رد است. واکنش مناسب برای کنش گفتاری سؤال، جواب است. واکنش مناسب در برابر تقاضا، پذیرفتن و یا رد تقاضا و واکنش مناسب در برابر تشکر، عذرخواهی، تبریک و ... است (Падучева, 1982).

ممکن است که دلیل شکست ارتباطی رعایت نشدن یکی از شرایط موفقیت‌آمیز بودن کنش گفتاری باشد و یا اینکه واکنش مناسبی در برابر کنش گفتاری انجام نشده باشد.

جملات پرسشی به‌طور گسترده در جایگاه پاسخ در گفت‌وگوها به‌کار می‌روند. در تحقیقات پیشین و بررسی جملات پرسشی با ساختار مصدری، این مسئله بررسی شده است (Дастамуз, 2013). آیا ممکن است که این جملات پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو به‌کار رفته‌اند و کنش گفتاری غیرمستقیم محسوب می‌شوند روند گفت‌وگو را تغییر دهند و یا شاخصی برای شکست ارتباطی باشند؟ در زیر، تکه‌هایی از دیالوگ‌هایی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم که در آن‌ها، جملات پرسشی در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو به‌کار رفته‌اند:

– Это уже беззаконие, – покачал головой Игорь Васильевич.

– Игорь, нам ли рассуждать о законах? (Дворецкий. НКРЯ).

ایگور واسیلیویچ سرش را تکان داد و گفت: «این دیگر بی‌قانونیست».

دوستش جواب داد: «ایگور، ما را چه به قضاوت درباره قانون؟!».

– Теперь пришли вы и начинаете с того, что арестовываете меня. Хороша свобода.
 – Благородное занятие. И очень нужное, – искренне похвалил я.
 Элоиза вспыхнула. – **Вам ли здесь судить о нас?** (Ломов. НКРЯ).
 – حالا شما آمده‌اید و از دستگیری من شروع خواهید کرد. آزادی خوب است. من صمیمانه تقدیر کردم و گفتم: «کار خوبی است و خیلی لازم است». الوییز با عصبانیت گفت: «شما را چه به قضاوت درباره ما؟!»

– Веселому жить хочется, помирать не можется.
 – **Вам ли думать о смерти?** (Данилевский. НКРЯ).

– انسان شاد زندگی می‌خواهد، با مرگ نمی‌تواند کنار بیاید.

– شما را چه به فکر کردن درباره مرگ؟!

در مثال اول، گوینده از کنش گفتاری تقریری استفاده می‌کند. شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری تقریری عبارت‌اند از:

۱. شرایط مقدماتی: الف. گوینده دلایلی دارد که گفتار X را صدق می‌داند و ب. برای گوینده آشکار نیست که شنونده اطلاعاتی درمورد X دارد.
۲. شرط صداقت: گوینده به X اعتقاد دارد.
۳. شرط کاربردی: این کنش گفتاری به‌عنوان یک پیام درمورد وضعیت واقعی چیزی در نظر گرفته می‌شود (Падучева, 2010: 25).

در مثال اول، روند طبیعی گفت‌وگو مستلزم این است که مخاطب در پاسخ به کنش گفتاری تقریری گوینده *Это уже беззаконие* (این دیگر بی‌قانونی است؟)، جمله‌ای را ادا کند که تأییدکننده یا ردکننده ادعای او و یا ادامه‌دهنده گفتار او باشد؛ ولی مخاطب با جمله *Игорь, нам ли рассуждать о законах?* (ما را چه به قضاوت درباره قانون؟)، به گوینده گوشزد می‌کند که او در جایگاهی نیست که درمورد قانون قضاوت کند. البته دلیل استفاده از ضمیر اول شخص جمع به‌جای ضمیر دوم شخص این است که مخاطب می‌خواهد به‌شیوه‌ای مؤدبانه و به‌طور کلی، به درست بودن و بی‌مورد بودن گفتار گوینده اشاره کند. با این گفته، مخاطب روند گفت‌وگو را تغییر می‌دهد؛ زیرا گوینده با اینکه از کنش گفتاری تقریری استفاده کرده، شرط کاربردی کنش گفتاری تقریری نقض شده است؛ یعنی از نظر مخاطب، از آنجا که گوینده در جایگاهی نیست که در این مورد نظر بدهد گفته‌اش با واقعیت مطابقت ندارد و یا اینکه نمی‌تواند مطابقت داشته باشد. به این ترتیب، نوعی شکست ارتباطی اتفاق می‌افتد و روند گفت‌وگو تغییر می‌کند.

در سایر مثال‌ها هم به همین صورت است. جملاتی نظیر *Вам ли здесь судить о нас!* (شما را چه به قضاوت درباره ما؟!) و *Вам ли думать о смерти?* (شما را چه به فکر کردن درباره مرگ؟!) که در واکنش به کنش‌های گفتاری تقریری گویندگان آمده‌اند، بی‌مورد بودن گفتار گوینده را



نشان می‌دهند و به‌متابۀ ابزاری هستند که مخاطب با استفاده از آن‌ها می‌کوشد که روند گفت‌وگو را تغییر دهد. بیشتر جملات پرسشی با این کارکرد براساس الگوی $P? X-y$ لی (не) ساخته می‌شوند. اگر بخواهیم معادلی در زبان فارسی برای این ساختار در نظر بگیریم، ساختار «X را چه به P» بهترین گزینه است. ارزیابی بی‌جا بودن گفتار مخاطب زمانی اتفاق می‌افتد که محتوای گفتار گوینده با دانش یا تصویری که مخاطب از گوینده دارد متفاوت باشد؛ یعنی مخاطب انتظار شنیدن این سخن را از هرکس دیگری دارد؛ به‌جز گوینده.

جملات پرسشی با ساختارهای دیگری هم وجود دارند که وقتی در جایگاه پاسخ‌قرار می‌گیرند، می‌توانند شاخص بی‌جا بودن کلام گوینده باشند؛ مانند جملاتی که در ساختار آن‌ها کلمۀ پرسشی وجود دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- Я не завожу шашней с женатыми мужчинами, – отрезала Настя.
 - А если бы я оказался свободен? – ухватился он за последнюю надежду.
 - **Зачем говорить о том, чего нет**, – пожалала плечами красавица (Донцова. НКРЯ).
- ناستیا حرف او را قطع کرد و گفت: «من به‌دنبال به دام انداختن مردهای متأهل نیستم». آخرین روزنۀ امید در برابر او پدیدار شد و گفت: «و اگر من آزاد باشم؟» دختر زیبا شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «چرا باید در مورد چیزی که نیست صحبت کرد؟»
- Слушай, ты никому не говори, что я тебе разрешил домой заехать, поняла? – сказал он на всякий случай.
 - **Кому мне говорить?** Меня никто не слышит (Гиголашвили. НКРЯ).
- او محض احتیاط گفت: «گوش کن. تو به هیچ‌کس نگو که من به تو اجازه دادم به خانه بیایی».
- **به چه کسی باید بگویم؟** هیچ‌کس حرف من را نمی‌شنود.
 - И вы еще смеетесь?
 - **А что делать, плакать?** (И. Грекова. НКРЯ).
- و شما هنوز می‌خندید؟
- **پس چه باید کرد، باید گریست؟**
- Да что вы все какие-то!.. Ну, братцы, не понимаю вас. Чего вы такие кислые-то все? – изумился Егор.
- **А чего мне тут – хихихать с тобой? Ублажать, что ли, тебя?** (Шукшин. НКРЯ).
- ایگور شگفت‌زده گفت: «چرا اینجوری هستی! بچه‌ها من که نمی‌فهمم چه خبره. چرا اینقدر ترش‌رویی می‌کنید؟»

- **نه پس چی، برات لبخند بزئم؟ نکنه می‌خوای باهات شوخی کنم؟**

چنانکه در بالا دیدیم، واکنش مناسب به کنش گفتاری پرسش، پاسخ است و شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری پرسش عبارت‌اند از:

- شرط محتوایی: سؤال می‌تواند به‌طور دلخواه انتخاب شود؛
- شرط مقدماتی: پرسشگر پاسخ را نمی‌داند و تصور می‌کند که مخاطب پاسخ را می‌داند و به همین دلیل از او سؤال می‌کند. برای آن‌ها مجهول است که مخاطب اطلاعات لازم را بدون اینکه از او سؤال شود بیان خواهد کرد یا نه.
- شرط صداقت: پرسشگر می‌خواهد اطلاعات مورد نظر را دریافت کند.
- شرط کاربردی: این کنش گفتاری به‌عنوان تلاش پرسشگر برای برانگیختن مخاطب به پاسخگویی و گفتن اطلاعات مورد نیاز او به‌کار می‌رود (Paducheva, 2010: 25).
- در مثال اول، کنش گفتاری غیرمستقیم *Зачем говорить о том, чего нет* (چرا باید در مورد چیزی که نیست صحبت کرد؟) در پاسخ به سؤال *А если бы я оказался свободен?* (و اگر من آزاد باشم؟) آمده است. در گفته مخاطب، پاسخی دیده نمی‌شود؛ بلکه مخاطب در پاسخ به این سؤال یک پرسش مطرح می‌کند. می‌توانیم چنین برداشت کنیم که مخاطب سؤال گوینده را بدون مصداق تلقی کرده و به همین دلیل، از دیدگاه او این سؤال بی‌مورد است. در این دیالوگ نیز عدم تطابق توان‌های منظوری در گفته گوینده و مخاطب به شکست ارتباطی و تغییر روند گفت‌وگو منجر شده است و کنش گفتاری غیرمستقیم *Зачем говорит о том, чего нет* (چرا باید در مورد چیزی که نیست صحبت کرد؟) شاخص این شکست ارتباطی به‌شمار می‌رود.
- در مثال دوم، مخاطب در واکنش به تقاضای گوینده که با جمله *ты никому не говори, что я тебе разрешил домой захватить* (تو به کسی نگو که من به تو اجازه دادم به خانه بیایی) مطرح شده است، از واکنش متناسب که عبارت است از قبول یا رد تقاضا، استفاده نمی‌کند؛ بلکه عبارت *Кому мне говорить?* (به چه کسی باید بگویم؟) را به‌کار می‌برد که نشان‌دهنده نقض یکی از شرایط مقدماتی توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری تقاضا از جانب گوینده است. برای گوینده و مخاطب مشخص نیست که مخاطب در صورت جریان یافتن عادی وقایع خودش، عمل موردنظر را انجام خواهد داد یا نه (Paducheva, 2010: 25)؛ زیرا حتی در صورت عدم درخواست گوینده، مخاطب از آنجا که کسی حرف او را نمی‌شنود و از نظر او این مسئله برای گوینده محرز است، به کسی چیزی نمی‌گوید. به این ترتیب، در این مورد هم می‌توان کنش گفتاری غیرمستقیم را شاخص شکست ارتباطی در نظر گرفت.
- در دو مثال بعدی، مخاطب واکنش گوینده در برابر رفتار خود را نادرست و بی‌مورد تلقی می‌کند و برای اینکه گوینده را متوجه رفتار نادرست خود کند، به‌جای پاسخ دادن به سؤال او، از جمله پرسشی *А что делать, / чего мне тут – хихихать с тобой? Ублажать, что ли, тебя?* (پس چه باید کرد، باید گریست؟/ نه پس چی، برات لبخند بزنی؟ نکنه می‌خواهی باهاش شوخی کنم؟) استفاده می‌کند که محتوایی متضاد با جمله گوینده دارد و با سیر طبیعی وقایع سنخیتی



ندارد؛ یعنی باز هم گفت‌وگو از روند طبیعی خود خارج شده است و کلام گویندگان به اهداف موردنظر نمی‌رسد.

به مثال‌هایی زیر توجه کنید:

Улучив момент, я за рукав втянул уже изрядно подвыпившего Коротаяева в кабинет и спросил, как стихотворение у Коли, пишется ли?

– **Да откуда мне знать?** Он же их в уме слагает и, как потом он говорит, записывает столбиком (Астафьев. НКРЯ).

من فرصت را غنیمت شمرده و کاراتایف را که مست بود به داخل اتاق کشیدم و از او پرسیدم که روند نوشته شدن شعر کولیا چگونه است.

– **از کجا باید بدانم؟** او آن‌ها را در ذهنش سروده و بعد همان‌طور که خودش گفت، ستونی

می‌نویسد.

– Адрес, – просительно молвила вдова, – нельзя ли адрес узнать?

– Чей адрес?

– О. Бендера.

– **Откуда же я знаю?** (Ильф и Петров)

بیوه ملتمسانه تقاضا کرد: «آدرس ... نمی‌شه آدرس رو دونست؟»

– آدرس چه کسی؟

– بندر.

– **من از کجا می‌دانم؟**

– Инициатива, решение ... – передразнила Елена Геннадьевна. – просто я его бросила.

– Почему?

– Надоело.

– А подробнее?

– **Что может быть подробнее?** Надоело и все. (Токарева)

یلنا گنادیونا با تمسخر گفت: «ابتکار یا تصمیم ... من فقط او را ترک کردم».

– چرا؟

– جانم به لبم رسیده بود.

– و بیشتر؟

– **بیشتر از این چه می‌تواند باشد؟** جانم به لبم رسیده بود، تمام.

Волобуев. – Доргие дети ... ты, Петр, и ты, Катерина ... Мы от всего родительского сердца ... желаем вам прожить жизнь, чтобы ... любили ... заботились ... помогли друг другу. Что еще? Скажи ты, мать.

Волобуева. – **Что я буду говорить?** Сказал и все!

بالابویف. فرزندان عزیزم ... تو پیتر و تو کاترین ... ما از صمیم قلب برای شما آرزو می‌کنیم که

حقیقتاً زندگی کنید و همیشه یکدیگر را دوست بدارید و به هم کمک کنید. دیگر چه؟ تو بگو مادر.

بالابویوا. چه می‌توانم بگویم؟ هرچه بود گفتی و تمام.

در مثال اول، مخاطب که در وضعیت مناسبی قرار ندارد، سؤال گوینده را بی‌مورد و بی‌جا ارزیابی می‌کند و به‌جای پاسخ مناسب، از کنش گفتاری غیرمستقیم *Да откуда мне знать?* (از کجا باید بدانم؟) استفاده می‌کند. از آنجا که گوینده پاسخی برای سؤال *как стихотворение у Коли, пишется ли?* (روند نوشته شدن شعر نزد کولیا چگونه است؟) نمی‌یابد، به هدف ارتباطی خود، یعنی دریافت پاسخ مناسب، نمی‌رسد. به این ترتیب، در این دیالوگ، جمله *Да откуда мне знать?* می‌تواند شاخص شکست گفت‌وگو باشد؛ زیرا پرسشگر شرط مقدماتی کنش گفتاری سؤال (مخاطب جواب را می‌داند) را نقض کرده است. پرسشگر پاسخی را برای سؤال خود دریافت نمی‌کند؛ زیرا مخاطب اطلاعات مورد نیاز را در اختیار ندارد یا وانمود می‌کند که این اطلاعات را در اختیار ندارد. از سوی دیگر، از آنجا که واکنش مناسب در برابر سؤال جواب است، گوینده با واکنش مناسبی در این مثال مواجه نشده است و می‌توانیم بگوییم که این عدم واکنش مناسب روند طبیعی گفت‌وگو را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. در مثال دوم هم شکست ارتباطی رخ داده است و کنش گفتاری غیرمستقیم *Откуда же я знаю?* (من از کجا می‌دانم؟) شاخص شکست ارتباطی است.

در مثال بعد، گوینده از مخاطب اطلاعات بیشتری را تقاضا می‌کند. واکنش مناسب در این زمان، پاسخ به تقاضای گوینده است؛ ولی مخاطب با استفاده از کنش گفتاری غیرمستقیم *Что может быть подробнее?* (بیشتر از این چه می‌تواند باشد؟) نه‌تنها اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد، بلکه می‌کوشد که گفت‌وگو را تمام کند. در اینجا نیز کنش گفتاری غیرمستقیم نماد شکست ارتباطی است.

در مثال آخر، پدر (Волобуев) بعد از اینکه برای زوج جوان دعای خیر می‌کند، از همسرش تقاضا دارد که او نیز به‌عنوان مادر ادامه دهد و آرزوهای خود برای زوج جوان را بازگو کند؛ ولی مادر (Волобуева) به‌جای پاسخ مناسب به این تقاضا، از کنش گفتاری غیرمستقیم *Что я буду говорить?* (چه می‌توانم بگویم؟) استفاده می‌کند. پاسخ مادر نماد شکست ارتباطی است؛ زیرا پدر به هدف ارتباطی کنش گفتاری تقاضا نرسیده است.

در مثال‌های بالا نیز پیامد شکست ارتباطی تغییر روند گفت‌وگو است؛ ولی در بررسی‌های انجام‌شده، مثال‌هایی دیده شدند که در آن‌ها، پس از اینکه مخاطب سؤال گوینده را بی‌مورد ارزیابی می‌کند، پاسخی هم برای آن در نظر می‌گیرد؛ مانند نمونه زیر:

- Куда они делись?

- Ну, откуда мне знать. Органы, наверное, забрали (Терехов. НКРЯ);

- آن‌ها کجا رفتند؟

- خوب از کجا بدانم؟ احتمالاً آن‌ها را گرفته‌اند.

- Он умер, господин Мюйр.

- От чего?



– **От чего умирают люди? Вам ли этого не знать.** От жизни, господин Мюйр (Левашов. НКРЯ);

– آقای میور، او مرده.

– چرا؟

– چرا مردم می‌میرند؟ این چیزی است که شما ندانید؟ از زندگی آقای میور.

– С кем же война, гражданин следователь?

– **Вам ли спрашивать, Фотий Иванович?** С вашим предполагаемым противником, с кем же еще (Владимов. НКРЯ).

– آقای بازپرس، آخر جنگ با چه کسی؟

– این چیزی است که شما پرسید، فوتی ایوانویچ؟ با دشمن فرضی شما، پس دیگه با کی.

در مثال اول، مخاطب به گوینده یا پرسشگر می‌فهماند که سؤال او بی‌مورد است؛ زیرا مخاطب پاسخ را نمی‌داند و تنها می‌تواند حدس خود را بیان کند. واژه *наверное* (احتمالاً) شک او را نشان می‌دهد؛ یعنی باز شرط مقدماتی کنش گفتاری سؤال (مخاطب جواب را می‌داند) نقض می‌شود. به این ترتیب، در این مثال هم پرسش *Ну, откуда мне знать* (خوب از کجا بدانم؟) کنش گفتاری غیرمستقیمی است که شاخص شکست در گفت‌وگو است؛ هرچند در این حالت با پاسخی که بعد از این ساختار ارائه می‌شود، روند گفت‌وگو دستخوش تغییر نمی‌شود.

در مثال‌های دوم و سوم، نقض شدن بخش دوم شرط مقدماتی توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری سؤال (پرسشگر یا گوینده پاسخ را نمی‌داند) باعث می‌شود که مخاطب سؤال را بی‌مورد ارزیابی کند. سؤالات *Вам ли этого не знать* (این چیزی است که شما ندانید؟) و *Вам ли спрашивать* (این چیزی است که شما پرسید؟) کنش‌های گفتاری غیرمستقیمی هستند که به کمک آن‌ها، مخاطب اعتراض خود را به طرح سؤال از جانب گوینده بیان می‌کند؛ زیرا پاسخ به اندازه‌ای واضح است که گوینده باید پاسخ آن را بداند و نباید سؤال کند.

همان‌طور که در مثال سوم می‌بینیم، مخاطب علاوه بر اینکه با استفاده از کنش گفتاری غیرمستقیم *Вам ли спрашивать* (این چیزی است که شما پرسید؟) نشان می‌دهد که گوینده باید جواب را بداند، در ادامه می‌کوشد گوینده را متقاعد کند که پاسخی که او در ذهن دارد، صحیح است؛ یعنی با بیان عبارت *С вашим предполагаемым противником, с кем же еще* (با دشمن فرضی شما، پس دیگه با کی؟) او را به پاسخی ارجاع می‌دهد که خودش در ذهن دارد. به این ترتیب، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم از این دست هم می‌توانند شاخص شکست ارتباطی باشند؛ زیرا هرچند گوینده به هدف منظوری کنش گفتاری که انجام داده دست می‌یابد، شرط مقدماتی کنش گفتاری سؤال نقض شده است (گوینده یا پرسشگر جواب را نمی‌داند)؛ به سخن دیگر، گوینده پاسخی را که خودش می‌داند طلب کرده و شرط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری سؤال را نقض نموده است. همین امر به شکست ارتباطی

منجر شده است؛ هر چند روند گفت‌وگو دستخوش تغییر نشده است.

در بررسی‌های انجام‌شده، در مثال‌هایی، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم ضمن واکنش به سؤال گوینده و انتقاد از طرح سؤال، پاسخ به آن را نیز در خود مستتر کرده‌اند. در این کارکرد، کنش‌های

گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی کارکرد خبری دارند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

–Подковка действительно была золотая с бриллиантами? – спрашивали Аннушку.

– **Мне ли бриллиантов не знать**, – отвечала Аннушка (Булгаков);

از آنوشکا پرسیدند: «آیا نعل اسب واقعاً طلای ناب و برلیان‌نشان بود؟»

آنوشکا جواب داد: «یعنی من برلیان نمی‌شناسم؟»

–Но дал-то он вам червонцы, как вы говорите?

– **Мне ли червонцев не знать**, – отвечала Аннушка (Булгаков);

– آیا واقعاً یک اسکناس ده روبلی به تو داد؟

– یعنی من اسکناس دهی نمی‌شناسم؟

–Я тебя уважаю, ну и ты не забывай, что я не фарцовщик какой-нибудь сопливый... Понял?

– **Как тут не понять?** – сказал Савостьянов (Вайнеры. НКРЯ);

– من به تو احترام می‌گذارم؛ ولی تو هم من رو یک آدم بد فرض نکن ... فهمیدی؟

– چنین چیزی رو چطور میشه نفهمید؟

–Квадрат видишь?

– **Чего ж его не видеть?** Вот он ... (Судьба моя. НКРЯ);

– مربع رو می‌بینی؟

– چرا نباید ببینمش؟ اوناهاش ...

–Дядя Коля сейчас дома?

– **А где же ему быть, милоч?** – Бабка обнажила в улыбке беззубый рот. – Сидит сиднем (Троицкий. НКРЯ)

– دایی کولیا الان خونس؟

مادر بزرگ با لبخندی که دهان بدون دندان‌ش را نمایان می‌کرد، گفت: «پس کجا باید باشه، عزیزم؟»

نشسته که نشسته.»

سؤالاتی نظیر **Мне ли червонцев не знать**، **Мне ли бриллиантов не знать**، **Как**، **А где же ему быть, милоч?** (یعنی من

Чего ж его не видеть?، **тут не понять?** و **Мне ли бриллиантов не знать**، **Мне ли червонцев не знать**، **Как**، **А где же ему быть, милоч?** (یعنی من

برلیان نمی‌شناسم؟، یعنی من اسکناس دهی نمی‌شناسم؟، چنین چیزی رو چطور میشه نفهمید؟، چرا

نباید ببینمش؟ و پس کجا باید باشه عزیزم؟) به‌طور غیرمستقیم پاسخی به سؤال گوینده هستند؛ ولی

محتوای آن‌ها تداعی‌کننده مطالبی در ذهن گوینده است؛ به‌گونه‌ای که او احساس کند که سؤال بی‌جایی

را مطرح کرده است. در هر صورت، گوینده پاسخ خود را دریافت کرده، شکست ارتباطی رخ نداده و

تغییری در روند گفت‌وگو ایجاد نشده است.



در مثال اول، پاسخ مخاطب به سؤال *Подковка действительно была золотая с бриллиантами* (آیا نعل اسب واقعاً طلای ناب و برلیان‌نشان بود؟) مثبت است؛ ولی مخاطب به جای جواب کوتاه *да* (بله)، از کنش گفتاری غیرمستقیم *Мне ли бриллиантов не знать* (یعنی من برلیان نمی‌شناسم؟) استفاده کرده است. این پاسخ به این معنی است که آنوشکا امکان ندارد برلیان را نشناسد؛ بنابراین شک در مورد شهادتی که او داده بی‌مورد است. مثال دوم به همین شکل تفسیر می‌شود.

در مثال سوم، گفته گوینده آنقدر واضح است که مخاطب نمی‌تواند آن را نفهمد؛ بنابراین، به کنترل کردن او با سؤال *Понял?* (فهمیدی؟) نیازی نیست. پاسخ *Как тут не понять?* (چنین چیزی رو چطور میشه نفهمیدی؟) علاوه بر پاسخ مثبت به سؤال، بی‌مورد بود آن را گوشزد می‌کند. در دیالوگ بعدی، پاسخ *Чего ж его не видеть?* (چرا نباید ببینمش؟) نشان‌دهنده این مطلب است که مکعب در زاویه دید مخاطب قرار دارد و گوینده هم باید این را بداند؛ بنابراین، به طرح سؤال نیازی نیست.

در مثال آخر، پاسخ *А где же ему быть, милоч?* (پس کجا باید باشه، عزیزم؟)، پاسخ مثبتی است که به‌طور غیرمستقیم مطرح شده است. در اینجا نیز شکست ارتباطی رخ نداده است؛ زیرا گوینده به منظور خود که همان دریافت پاسخ است، دست یافته است.

باید در نظر داشته باشیم که در این مثال‌ها، مخاطب دلیل طرح سؤال بی‌جا از سوی گوینده را نادرست بودن فرض اولیه او ارزیابی می‌کند (درباره فرض اولیه، ن.ک: *Падучева, 2010*). به‌عنوان مثال، فرض اولیه برای طرح سؤال *Подковка действительно была золотая с бриллиантами* (آیا نعل اسب واقعاً طلای ناب و برلیان‌نشان بود؟) این است که نعل ممکن بوده از طلا و برلیان نباشد و پاسخ *Мне ли бриллиантов не знать?* (یعنی من برلیان نمی‌شناسم؟) این فرض را رد می‌کند. فرض اولیه سؤالات *Понял?* (فهمیدی؟) و *Квадрат видишь?* (مکعب را می‌بینی؟) حاوی این مفهوم است که مخاطب ممکن است نفهمیده باشد و یا مکعب را ندیده باشد که البته پاسخ مخاطب این فرض‌ها را رد می‌کند. در سؤال *Дядя Коля сейчас дома?* (دایی کولیا الان خونس؟) گوینده فرض بر این دارد که ممکن است دایی کولیا در جای دیگری باشد و سؤال بلاغی *А где же ему быть* (پس کجا باید باشه؟) این فرض را رد می‌کند.

به یک مثال دیگر توجه کنید:

– Так зачем же было ее везти с собой?
 – **А что же? Я один буду по санаториям прохладяться, а она – дома сидеть?**
 Несправедливо. (Шукшин. НКРЯ).

– چرا باید اونو با خودتون می‌آوردید؟

- پس چی؟ من تنهایی در تفریحگاه وقت بگذروم و اون تنها تو خونه بمونه؟ ناعادلانه است.
 در این مثال، گوینده با کنش گفتاری غیرمستقیم؟
 Так зачем же было ее везти с собой?
 (چرا باید اونو با خودتون می‌آوردید؟) درمورد عملکرد مخاطب را تردید می‌کند (برای آشنایی بیشتر با توان‌های منظوری جملات پرسشی با کلمه پرسش *почему* و *зачем* ن.ک: Мостовая, 2010).
 مخاطب در این حالت، قبل از اینکه استدلال خود برای دفاع از عملکردش را به‌طور مستقیم بیان کند، از کنش گفتاری غیرمستقیم استفاده می‌کند تا به گوینده نشان دهد که ارزیابی او از موقعیت نادرست بوده است و می‌کوشد که عملکرد خود را توجیه کند. در این دیالوگ هم کنش گفتاری غیرمستقیم نماد شکست ارتباطی و یا تغییر روند گفت‌وگو نیست.

۵. نتیجه‌گیری

در این مطالعه، گفت‌وگو در زبان روسی را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی با ماهیتی طبیعی که همیشه مورد توجه زبان‌شناسان روس بوده است، بررسی کردیم. در همین راستا، کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی را بررسی نمودیم که در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو به‌کار می‌روند. نتایج نشان می‌دهند که این دسته از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم از لحاظ تأثیرشان بر روند گفت‌وگو، به سه دسته جداگانه زیر تقسیم می‌شوند:

۱. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت‌وگوها ظاهر می‌شوند، نشانگر شکست ارتباطی هستند و روند گفت‌وگو را تغییر می‌دهند. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده به منظور مطلوب از بیان گفته نمی‌رسد و حداقل یکی از شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری را نقض می‌کند.

۲. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو ظاهر می‌شوند و با اینکه نشانگر شکست ارتباطی هستند، روند گفت‌وگو را تغییر نمی‌دهند. این حالت زمانی روی می‌دهد که گوینده با اینکه حداقل یکی از شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری را نقض می‌کند، به هدف منظوری مطلوب خود دست می‌یابد.

۳. کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی که در جایگاه پاسخ در گفت‌وگو ظاهر می‌شوند و به بی‌مورد و نادرست بودن کلام گوینده اشاره دارند؛ ولی نشانگر شکست ارتباطی نیستند و روند گفت‌وگو را هم تغییر نمی‌دهند. این حالت در صورتی رخ می‌دهد که کلام گوینده به منظور مطلوب رسیده باشد و هیچ‌یک از شرایط توفیق‌آمیز بودن کنش گفتاری وی نقض نشده باشد.



۶. پی‌نوشت‌ها

1. Н. Д. Арутюнова (N. D. Arutyunova)
 2. дискурс (discourse)
 3. И. М. Кобозева (I. M. Kobozeva)
 4. Л. В. Щерба (L. V. Sherba)
 5. Л.П. Якубинский (L.P. Yakubinsky)
 6. Г.Д.Поливанов (G. D. Polivanov)
 7. М. М. Бахтин (M. M. Bakhtin)
 8. В.В. Виноградов (V. V. Vinogradov)
 9. Е. М. Галкина – федорук (E. M. Galkina – Fedoruk)
 10. В.Г. Гак (V. G. Gak)
 11. J. Austin
 12. J. Searle
 13. слово как действие (word as sure as action)
 14. Е. В. Падучева (E. B. Paducheva)
 15. прагматические аспекты связности диалога (the pragmatic aspects of connectivity in dialogue)
 16. Г. П. Грайс (G. P. Grice)
 17. локутивный акт (locutionary act)
 18. иллокутивный акт (illocutionary act)
 19. перлокутивный акт (perlocutionary act)
- معادل‌ها از کتاب کاربردشناسی زبان نوشته جورج یول (۱۳۸۳) و با ترجمه محمد عموزاده مهدیرچی و منوچهر توانگر هستند. در کتاب‌های دیگر، معادل‌های دیگری استفاده شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، دکتر ساسانی (۱۳۸۹) در کتاب درآمدهی بر سخن‌کاوی، از واژگانی نظیر کنش گفته‌ای، کنش در گفته و کنش با گفته استفاده می‌کند.
20. перформативы (performatives)
 ۲۱. репрезентативы (representatives) معادل فارسی از کتاب کاربردشناسی زبان جورج یول است.
 22. директивы (directives)
 23. комиссивы (commissives)
 24. экспрессивы (expressive)
 25. декларации (declaration)
 26. условия пропозиционального содержания (propositional content condition)
 27. предварительные условия (preliminary condition)
 28. условие искренности (sincerity condition)
 29. существенное условие или условие назначения (substantial condition or conditions of appointment)
 30. Б. Ю. Городецкий (B. U. Gorodetsky)
 31. Е. Н. Ермакова (E. N. Ermakova)

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۱). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان

- انتقادی». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی). ش ۲. پیاپی ۱۰. صص ۱-۱۹.
- خیرآبادی، رضا. (۱۳۹۲). «نقش تخطی از اصول گرایس در ایجاد نسل جدید لطیفه‌های ایرانی». *مجله جستارهای زبانی*. ش ۳. پیاپی ۱۵. صص ۳۹-۵۳.
 - ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹). *معناکاوئی: به‌سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. تهران: علم.
 - یول، جورج. (۱۳۸۳). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
 - Аругтонова Н. Д. (1999). Язык и мир человека. – М: Языки русской культуры.
 - Бабаев О. (2011). Диалогическая речь в романе Евгений Онегин // реферат. <http://www.coolreferat.com/>.
 - Гордон Д., Лакофф Дж. (1985). Постулаты речевого общения // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVI. Лингвистическая прагматика. – М., – С. 276-303.
 - Городецкий Б. Ю., Кобозева И. М., Сабурова И. Г. (1985). К типологии коммуникативных неудач // Диалоговое взаимодействие и представление знаний. – Новосибирск., – С. 64-78.
 - Грайс Г. П. (1985). Логика и речевое общение // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVI. Лингвистическая прагматика. – М. – С. 226-237.
 - Дастамуз С. (2013). Русские вопросительные инфинитивные предложения. – Германия: Lambert Academic Publishing.
 - Ермакова Е. Н., Земская Е. А. (1993). К построению типологии коммуникативных неудач // Русский язык в его функционировании. Коммуникативно-прагматический аспект. – М. – С. 30-64.
 - Кобозева И. М. (2009). Лингвистическая семантика. – М.
 - Конрад Р. (1985). Вопросительные предложения как косвенные речевые акты // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVI. Лингвистическая прагматика. – М. – С. 349-383.
 - Кронгауз М. А. (2005). Семантика. – М: Академия.
 - Мостовая Л. А. (2010). Семантические особенности и иллокутивные функции конструкций с вопросительными словами, *зачем* и *почему*: Дис. ... канд. филол. наук. – М.



- Падучева Е. В. (2010). Высказывание и его соотнесенность с действительностью. – М.
- Падучева Е.В. (1982) Прагматические аспекты связности диалога. -Изв. АН СССР. Серия литры и языка, т. 41, № 4, с. 305- 313.
- Серль Дж. Р. (1986). Косвенные речевые акты // Новое в зарубежной лингвистике. Выпуск XVII. Теория речевых актов. – М., – С. 195-223.
- Серль Дж. Р. (2010). Философия языка. – М.
- Щерба Л.В. (1915). Восточнолужицкое наречие. – М: Издательство Академии Наук СССР.
- Якубинский Л.П. (1986). О диалогической речи. Избранные работы. – М: Наука.

References:

- Aghagolzadeh F. (2012). "Description and explanation of ideological linguistic structure in critical discourse analysis". *Journal of Language and Comparative Literature (Language Related Research)*. No.2. Pp.1-19 [In Persian].
- Arutyunova, N. D. (1999). *The Language and World of Man*. М. [In Russian].
- Babaev A. (2011). Dialogic speech in the novel Eugene Onegin // abstract. <http://www.coolreferat.com/>.
- Conrad, R. (1985). "Interrogative sentences as indirect speech acts" // *New in Foreign Linguistics. Issue XVI. Linguistic pragmatics*. - М. - Pp. 349-383. [In Russian].
- Dastamooz, S. (2013). Russian infinitive interrogative sentences. - Germany. [In Russian].
- Ermakova, E. N. & E. A. Zemskaya (1993). "On the construction of a typology of communication failures // Russian language in its functioning". *Communicative-Pragmatic Aspect*. - М. - Pp. 30-64 [In Russian].
- George, Y. (2004). *Pragmatics*. Translated in Persian by: M. Mahdiraji, M. Tavangar [In Persian].
- Gordon, D. & G. Lakoff (1985). "Postulates of speech communication" // *New in Foreign Linguistics. Issue XVI. Linguistic Pragmatics*. - М, - P. 276-303 [In Russian].
- Gorodetsky, B. Yu.; I. M. Kobozeva & I. G. Saburova (1985). "To the typology of communicative failures // dialog interaction and knowledge representation". - *Novosibirsk*. - Pp. 64-78 [In Russian].

- Grice, G. P. (1985). "Logic and speech communication" // *New in Foreign Linguistics. Issue XVI. Linguistic Pragmatics*. - M. - Pp. 226-237. [In Russian].
- Kheirabadi, R. (2013). "The violation of grice cooperative maxims and its role in developing the modern generation of Iranian jokes". *Language Related Research*. No.3. Pp. 39-53 [In Persian].
- Kobozeva, I. M. (2009). *Linguistic semantics*. – M. [In Russian].
- Krongauz, M. A. (2005). *Semantics*. - M. [In Russian].
- Mastavaya, L. A. (2010). *Semantic Features and Functions of Illocutionary Constructions with Interrogative words Почему and Зачем*: Ph.D. Dissertation - M. [In Russian].
- Paducheva, E. V. (1982) "Pragmatic aspects of connectivity in dialogue". *USSR Academy of Sciences. Series Liters and Language*. v. 41, № 4. Pp. 305- 313.
- ----- (2010). *Saying and its Relation to Reality*. - M. [In Russian].
- Sasani, F. (2010). *The Quest of Meaning: Toward the Social Semiotics*. Tehran: Elm [In Persian].
- Searle, J. R. (1986). Indirect speech acts // *New in Foreign Linguistics. Issue XVII. The theory of speech acts*. - M, - Pp. 195-223.
- Sherba, L. V. (1915). *The Dialect of est Luzhin*. - M. [In Russian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی